

عقدنامه‌ای کهنه با سبکی نو

سیدعلی آل داود

میرزا ابراهیم دستان مشهور به یغمای ثانی فرزند ابوالحسن یغمای جندقی، سراینده نامی عصر قاجار، خود گوینده‌ای زبردست بود و در سرودن انواع شعر مهارت داشت. او به سال ۱۲۴۲ ق در خور بیابانک دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی او در همانجا گذشت. بعدها به هدایت پدرش یغما به تهران آمد و در تشکیلات نظامی عصر ناصری به خدمت پرداخت و به درجه سلطانی [= سروانی] نائل آمد، اما در نبردی که با گروهی از شورشیان بلوچ کرد به سختی شکست خورد و گروهی از سربازانش به هلاکت رسیدند. میرزا تقی‌خان امیرکبیر او را توبیخ کرد و از کار نظام معاف نمود. دستان تحصیلات خود را ادامه داد و تخلص دستان را برای خود برگزید. او در شاعری مقامی متوسط دارد اما سروده‌هایش فراوان است، از او دیوان اشعاری متضمن قصاید، غزلیات، مدایح و به ویژه مرثیه و نوحه بر جای مانده که تاکنون به طبع نرسیده است.

استادی و مهارت او به ویژه در سرودن نوحه‌های سپینه‌زنی است، نوحه‌ها و مراثی او ساده و اوزان روان و خوش خوان دارد. هنوز هم نوحه خوانان در ناحیه خور بیابانک نوحه‌های او را در کنار منابر و در حسینیه‌ها می‌خوانند. جز دیوان اشعار، وی یک رساله هم در باب جغرافیای جندق و بیابانک نوشته که دو سال پیش همراه با مقدمه‌ای در احوال او در شمار انتشارات مرکز میراث مکتوب به چاپ رسانده‌ام.

میرزا ابراهیم دستان بر اثر ابتلا به بیماری وبا که در سال ۱۳۱۰ ق در مناطقی از ایران شیوع پیدا کرده بود درگذشت. پیکرش در امامزاده داود خور در کنار مزار پدرش یغما به خاک سپرده شد. دستان دوبار ازدواج کرد، اما از او فرزند پسری بر جای نماند. همسر دوم او فاطمه خانم ملقب به «وسپله» دختر لطفعلی خنجی از اهالی روستای خُنج بود. خنج روستایی کم جمعیت در جنوب غربی خور است که در کنار رودخانه‌ای به همین نام قرار گرفته و با روستای دادکین مجاور است. دستان به قراری که در کتابچه

جغرافیای جندق و بیابانک اشاره می‌کند در نوجوانی برای امور کشاورزی مکرر به خنج رفت و آمد داشته است. متن عقدنامه‌ای که در پی می‌آید سند ازدواج همسر دوم او «فاطمه» است که با شیوه‌ای متفاوت از عقدنامه‌های دیگر و با بیانی کاملاً ادبی نگارش یافته است. اصل عقدنامه در تصرف نگارنده این سطور است.

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس افزون از وهم و قیاس خداوندی را سزاست که به قدرت کامله و حکمت کافیه نیستی را خلعت هستی داد و خاک ناچیز را که اکشف جمادات و اجمد کثافات است برای معرفت خویش رتبه نما و قوه نطق و نُهی بخشید. و درود بیرون از حساب محمد مصطفی و علی مرتضی و اولاد اطهار و آل ابرار او را که مقصود آنند، و خداوند حکمت هستی را ... صفات حکیمی ... نفوس شریزه را به حکم مناکحت شکیمه آرام و ادب بر دهان زده دماغ طاغیان هر قدمی را محض شمول مراسم به فرمان مزاجت بر خاک سکوت و سکون مالیده.

اما بعد این بنده حقیر فقیر سراپا تقصیر، پس از سفر خراسان وقتی به تغییر آب و هوا میل کوهساران کرده در مزرعه خنج که یکی از چشمه‌ساران بیابانک است با جمعی از اقارب و اصدقا مسکن یافتیم، یکی از بذرکاران شبی هنگام آبیاری این نغمه ساز کرد: یکی دخترکی دل مرا خون کرده، از آنجا که از بد و عمر خاک وجودم به آب مهر و محبت معجون گشته و دلم پیوسته به عشق لاله رویان مفتون بوده و هست، خارخار محبتم در دل افتاد و گلبن ذوق و شوقم در لاله‌زار جگر روی به سرسبزی نهاد. طفلکی را به مزاجه طلب کار گشتم و متاع وصالش را به مهر دل و شوق جان خریدار. اینک قبالة کابین اوست که می‌نگارم و به دست مادرش مریم خانم می‌سپارم. خدا مبارک کند به حق محمد و آل او صلی الله علیهم.

النکاح: بنده خاکسار ابراهیم دستان خلف مرحوم یغما طاب ثراه.

المنکوحه: عاقله بالغه باکره فاطمه خانم صبیبه مرحوم لطفعلی.

الصداق: مبلغ چهل تومان رایج خزانه عامره ناصرالدین شاهی خلد الله ملکه.

العووض: سه قله آب چشمه دریاشوی قریه خور بیابانک مع یک قطعه اراضی با نخیلات آن واقعه در کشتخوان دریاشوی قریه مزبوره مشهور به زمین «درب قبله» ایتبای خاکسار از برادر عزیزم میرزا محمدعلی خطر به بسط دوازده خرید. خدا مبارک کند. صیغه عقد چنانکه حکم شرع مطاع است جاری گردید و کان تحریر ذلک فی دوم شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۱.

[محل مهر ابراهیم دستان]

شهود عقد

۱. خداوند مبارک کند ان شاءالله [محل مهر میرزا مهدی هنر].
۲. خداوند این عیش، را میمون و مبارک کند ان شاء الله [محل مهر میرزا هادی فرمان].

۳. قد وقع النکاح المبارک، حرره اقل الحاج سلیمان [محل مهر حاج سلیمان].
 ۴. خداوند به حق محمد و آل محمد که این عیش را مبارک فرماید. حرره ابوالقاسم [محل مهر].
 ۵. من الشهود. ملا علی اعمی ساکن خنج.
 ۶. قد وقعت المناکحة المبارکة المیمونة کما رقم بسیطره بصیغة الشرعیة [محل مهر ... بالله ادركنی].
 ۷. هو، آقا میر سید علی یزدی الاصل ساکن بیاضه [محل مهر].
 ۸. من الشاهدین، امیر بیک خلف مرحوم میر محمد بیک.
- میرزا ابراهیم دستان چند سال بعد در رجب ۱۲۹۷ در حاشیه این عقدنامه، توضیح ذیل را افزوده است:

هو

مجدداً نگارش می‌شود این سه قلّه آب دریاشو و قطعه زمین «درب قبله» که دوازده زمین و در متن به خط خودم مرقوم است حق الصداق نور چشمی «وسیله» است. ملک طلق و عین المال اوست، هم صداق اوست و هم به او به هبّه شرعیّه مصالحه شده است. و از روزیکه شروح متن نوشته شده که سنه ۱۲۹۱ می‌باشد تا ساعتی که من از دنیا بروم هر ساله سالی مقدار سی و چهار من جو به وزن حجر خور اجاره آن است که باید بعد از وفات من از مال من به وسیله داده شود و من بریّ الذمه شوم. همین شرح سند شرعی وسیله است. و علاوه بر این سه قلّه آب و یک قطعه ملک، هر چه به وسیله بخشیده و مصالحه کرده‌ام نوشته جداگانه دارد. به خط من و مهرهای صحیح من که همین دو مهر است که بر ذیل زده‌ام. و کان تحریر ذلک فی غره شهر رجب المرجب سنه ۱۲۹۷، هزار و دویست و نود و هفت هجری [محل مهر اول: ابراهیم، مهر دوم: یغما].

انتقال بخشی از صداق به دیگری

فاطمه خانم موسوم به وسیله همسر میرزا ابراهیم دستان، ۱۶ سال پس از مرگ همسر ثلث صداق خود را به مرحوم اسدالله منتخب السادات فروخت و سند مبیعه نامه در حاشیه همین عقدنامه نوشته شده به این شرح:

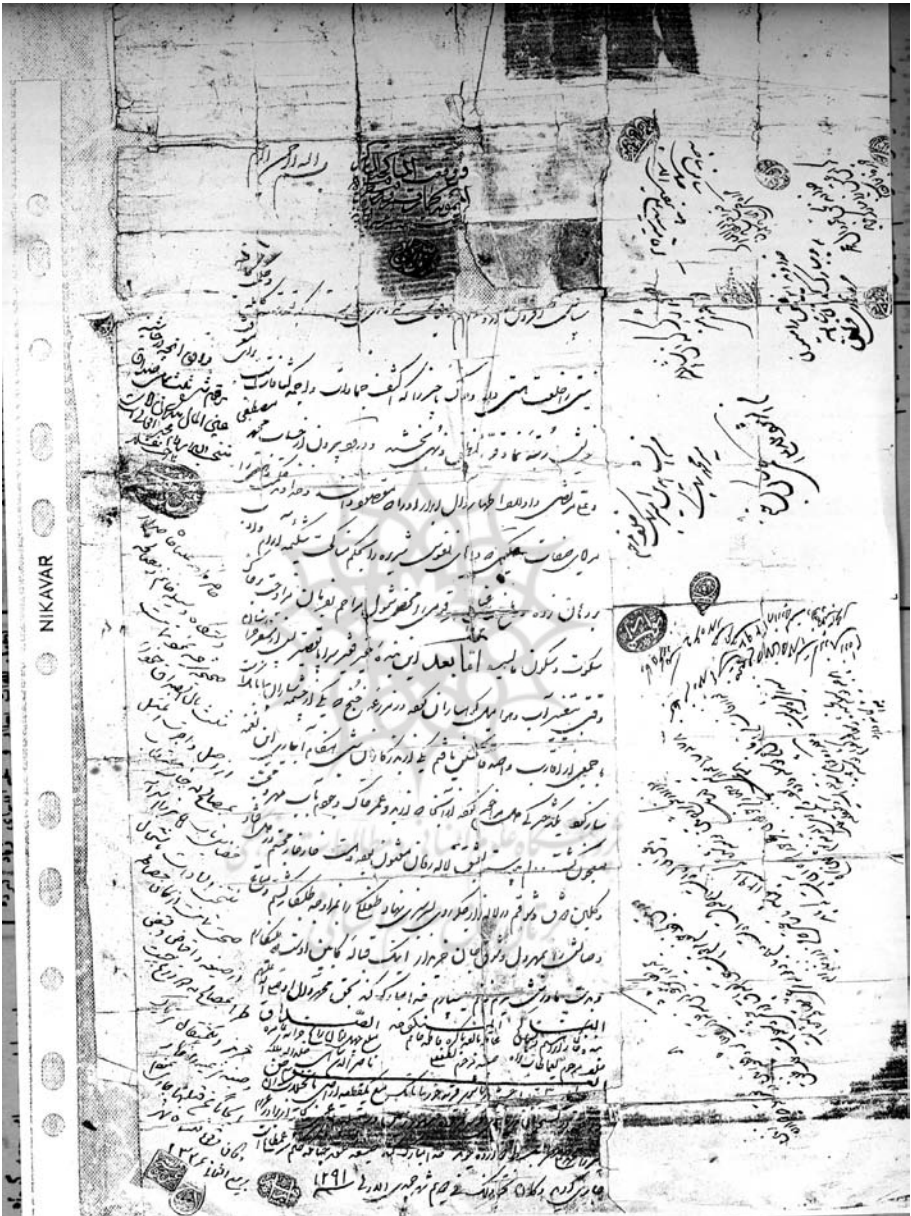
حاضر گردید علیا جاه صدارت دستگاه وسیله خانم و مصالحه صحیحه شرعیه نمود تمامت ثلث مال الصداق خود را از اصل و اجرت المثل به مصالح له جناب مستطاب فضائل مآب آقا میرزا اسدالله منتخب السادات با کمال صحت تمامت ارکان مصالحه از صیغه و اقباض و قبض طراً به مصالح به دوزع چیست قرمز و یک مثقال تریاک و صیغه شرعیه را اظهار ایجاباً عن قلبها جاری نمودم. و کان وقوع ذلک ۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ [محل مهر وسیله و فتح الله] و در ذیل این مبیعه آمده است:

«موافق آنچه در حاشیه مرقوم شده ثلث تمامی صداق عین المال بندگان آقای منتخب السادات دام مجده العالی است. ۲۰ رجب نقله [محل مهر].»

توضیحات:

۱. **فاطمه** دختر لطفعلی خنجی که طبق این عقدنامه به عقد زوجیت میرزا ابراهیم دستان درآمد، ملقب به «وسپله» بود و پس از مرگ همسر، به عقد پسر برادر همسرش یعنی میرزا مهدی هنر درآمد.
۲. **خُنَج**: روستایی خوش آب و هوا در جنوب غربی خور مرکزی واحد جندق و بیابانک. این روستا در زمان حیات یغمای جندقی به او تعلق داشت و پس از مرگ وی طبق وصیت او به فرزند ارشدش میرزا اسماعیل هنر واگذار شد. هنر هم به این روستا آمد و شد فراوان داشت و ماجراجویی عاشقانه در آنجا برایش رخ داد که آنرا طی منظومه‌ای به صورت رباعیات متوالیه به شعر درآورد. این منظومه را که مشتمل بر ۱۹۶ رباعی است در دیوان هنر به چاپ رسانده‌ام.
۳. **اسدالله منتخب السادات**: که املاک موضوع این عقدنامه را سپس خریده است از شاعران ناحیه خور بیابانک [متولد ۱۲۷۹ ق متوفی ۱۳۱۰ ش] او پدر استاد حبیب یغمای است و چند مثنوی مفصل از وی بر جای مانده که یکی از آنها به طبع رسیده است.
۴. **کشتخوان دریا شسو**: بخشی از نخلستان وسیع خور که با چشمه دریاشو آبیاری می‌شود. این نخلستان در زمستان سال ۱۳۸۶ بر اثر برف و سرما به کلی از میان رفت.
۵. **میرزا محمد علی خطر**: کوچک‌ترین پسر ابوالحسن یغمایی جندقی که از خور به سمنان مهاجرت کرد و در سال ۱۳۰۲ ق در آنجا درگذشت. ناصرالدین شاه در سفرنامه مشهد خود از او نام برده است.
۶. **میرزا مهدی** هنر از شاهدین عقد، فرزند میرزا اسماعیل هنر و برادر زاده دستان.
۷. **میرزا هادی** فرمان از شاهدین عقد، فرزند میرزا اسماعیل هنر و برادرزاده دستان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



NIKAVAR